

ریسک اقتصادی بالا و سود پایین است



دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازار گانگی گفت: در اقتصاد ایران، ریسک فعالیت‌های تولید بالا و بازدهی نسبت به سایر بخش‌ها پایین است و به همین دلیل عموماً سرمایه‌گذاری در بخش

دلالی و مسفته‌بازی سودبیشتری از سرمایه‌گذاری در بخش صنعت است. احمد تشکیکنی گفت: در اقتصاد ایران، ریسک فعالیت‌های تولید بالا و بازدهی نسبت به سایر بخش‌ها پایین است و به همین دلیل عموماً سرمایه‌گذاری در بخش دلالی و مسفته‌بازی سود بیشتری از سرمایه‌گذاری در بخش سرمایه‌گذاری در بخش صنعت است. ریسک هر چه پایین‌تر بیاید تمایل برای سرمایه‌گذاری بیشتر است اما در اقتصاد ایران بازدهی وضیعت کاملاً برعکس است.

درآمد ۵۰میلیارد دلاری نقت در سال جاری



یک کارشناس اقتصادی گفت: درآمد‌های نفتی ایران امسال ممکن است در بهترین حالت به ۵۰ میلیارد دلار برسد.

که میزان ریال و دلاری که در دسترس است احتمالاً در سال جاری محدود می‌شود در نتیجه حجم بازار نیز کوچک می‌شود. بنابراین از بعد سیاست‌های بین‌المللی مشکلاتی داریم که فشار آن بیشتر به بخش خصوصی وارد می‌شود. در بازار مشکل کمبود پول داریم و این یعنی کوچک شدن بازار و یا ورود رانت، جو سیاسی بر بازار حاکم می‌شود. وی گفت: یکی از مشکلات نبود ارتباط بین فضای کسب و کار داخلی با فضای بین‌المللی است.

بررسی «تجارت» از وضعیت سرمایه‌های اجتماعی در ایران نشان داد:

زوال اعتماد، سقوط اقتصاد



است. ضوابط کار مانند قواعد بازی است و قواعد بازی وقتی

به خوبی تدوین می‌شود و با انگیزه رعایت می‌شود که طرفین بازی در تدوین آن مشارکت داشته باشند.

مشکل دیگری که موجب شده تا سرمایه اجتماعی روند نزولی داشته باشد، از جانب دولت‌هاست. دولت‌ها چون پول نفت را داشت، نگوشتید تا همت خود را مصروف نظارت، هدایت و تشریف و تضمین قواعد بازی در اقتصاد کند، بلکه خودش به عنوان یک بازیگر وارد شد و به همین‌علت وظایف حاکمیتی و نظارتی دولت سخت آسیب دید که یکی از آنها همین وظایف دولت

در مورد تنظیم و نظارت بر قواعد بازار کار است. از این گذشته وجود پول نفت باعث شد تا نسل تازه مدیران سنتی ما به راحتی با گرفتن وام‌های حمایت‌شده و از زن آن دولت به سراغ

وارد کردن نف‌آوری‌های تازه بروند و منابع مشترک شکل بگیرند

و بنابراین توسعه صنعتی ما هیچ‌گاه متوقف به نیروی کار داخلی نباشد و همواره این نیروی کار بوده‌است که باید خودش را با نف‌آوری تازه سازگار می‌کرده است.

■ ناامی در توسعه درون‌زا

توسعه درون‌زا وقتی رخ می‌دهد که سرمایه‌دار با اتکالی به نیروی کار ماهر خودش و با آموزش و ارتقای نیروی کار داخلی بکوشد نف‌آوری‌های نو و روش‌های تولیدی تازه و کالاهای جدید ایجاد و معرفی و تولید کند. در این فرآیند تازه که نیروی کار هم-نقش‌خلاق خود را پیدایی کند و هم-هویت و جایگاه ویژه‌ای در مناسبات تولیدی پیدا می‌کند.

اماز وقتی کارفرمای بیند می‌تواند به راحتی با گرفتن وام‌های سازمانده‌استدست به واردات و صادرات غیر تولیدی چند، به

نیازی می‌بیند که نیروی کار خودش را تکثیر کند، آموزش دهد، حمایت‌کنند و او را در فرآیند رقابتی کارخانه و صنعتش مشارکت دهد؟

به‌باور محسن زرنانی: دولت‌اگر می‌خواهد خدمتی به بازار کار کند و اشتغال را رونق دهد نیازی نیست طرح‌بنگاه‌های زودبازده یا اشتغال‌خوانوری و نظایر آن را راه بیندازد، کافی

توسعه نظام پولی و پیچیده‌تر شدن دستگاه‌های تبادل کالا، خود به خود به افزایش مخاطره سرمایه‌گذاری انجامیده است. از سویی دیگر، هر چه تزکم تبادل‌ها پیچیدگی نظام‌های تولید، عرضه و مصرف افزون می‌شود، متغیرهای حاکم بر برد و باخت هم پرشمارتر می‌شند و به این ترتیب احتمال بر باد رفتن ثروت در حد حادثه‌های خُرد فرعی نیز بیشتر می‌شود. این همان روندی است که هنجارهای ارزشمند اجتماعی که نماد توسعه و ارتقاء جامعه استبقا اولیا مواجه خواهد شد و هر چه قدر یک جامعه‌ای مشکلات اقتصادی و اجتماعی‌اش بیشتر داشته باشد، پایدنی‌اش به اصول و ارزش‌ها کمتر می‌شود در نتیجه سرمایه‌های اجتماعی‌اش به شدت کاهش می‌یابد.

به عبارتی اکنون وضع اقتصادی به گونه‌ای جامعه را به نظامی از سرمایه‌گذاری برای مقابله با ضرر سوق داده است که تمایزی دیگرگون میان اعتماد و اعتبار را نمایش می‌دهد. حاکمیت روابط سوداگرانه و رانت خواران در نهایت متکی بر دروغ، ریا و ناشفافیت است و در این ناشفافیت است که در هر میادلهی فرد مراقب است که آن دیگری سرش گلاه نگذارد. همین بی‌اعتمادی کلاه‌گشادی است که سر کل جامعه می‌رود.

از طرفی کمبود منابع اقتصادی به طور عادلانه توزیع نمی‌شود

و در شرایط بی‌اعتمادی جامعه را فرا گرفته است.

■ کاهش مداوم سرمایه اجتماعی
به عقیده دکتر محسن زرنانی در این چند ساله سرمایه اجتماعی با شیبی تند در حال سقوط است. «اگر کارگران کم‌کاری می‌کنند، چون سرمایه اجتماعی به طور عمومی در کشور سقوط کرده است، البته شاید ممکن است در درون برخی از مؤسسات اقتصادی هم سرمایه اجتماعی شان بیشتر از بیرون‌گاشی یافته باشد. سرمایه اجتماعی هم شاخص دارد، هم قابل کمی‌سازی و محاسبه است و هم مفهوم روشنی دارد. در حال حاضر کارفرما به راحتی به خودش اجازه می‌دهد حقوق کارگر را پایمال کند و کارگر خود را محق می‌داند که کم‌کاری کند. این یعنی سقوط سرمایه اجتماعی و واگرایی اعتماد و اعتبار.

فرآیندی که امروز در ایران وجود دارد و علی‌رغم اینکه نیروی انسانی روزبه‌روز تحصیل کرده‌تر می‌شود، به‌رهوری‌اش در حال کاهش است، این ناشی از کاهش مداوم سرمایه اجتماعی در ایران است و عامل اصلی این سقوط نیز دولت و رفتارهای دولتان است.»

در عرصه تولید ظرفیت‌های نهفته و توانایی‌های بالقوه زیادی وجود دارد اما به علت عدم اعتماد متقابل و در یک کلام به علت پایین بودن سرمایه اجتماعی، این ظرفیت‌ها از طریق همکاری کارآمد نیز به تولید ارزش منتج نمی‌شود. البته ضوابط کار نیز در ایران هیچ‌گاه تعیین‌کننده مؤثر در روابط کاری نبوده است، چون ضوابط کار نیز وقتی تعیین‌کننده، مؤثر و سازنده است که از میان تعامل دو طرف عرضه و تقاضای بازار کار یعنی تعامل کارفرمایان و کارگران شکل بگیرد و هر دوی آنها در تدوین و تصویب آنها نقش داشته باشند و دولت تنها نقش داور را بازی کند اما این‌گونه نبوده است.

دولت‌ها معمولاً بر اساس اهداف و ارزش‌های خودش و بدون توجه به واقعیت‌ها و آمادگی‌های دو طرف بازی، ضوابط و مقررات بازار کار را تدوین یا قانون کار را تصویب می‌کرده

واگذاری ۴۰هزار سنده به مناطق محروم



ریس بیناد مستضعفان به اهدا اسنادعوی توسط بنیاد مستضعفان اشاره کرد و گفت: تاکنون حدود ۴۰ هزار سند به ارزش ۶۰۰ میلیارد تومان به مردم مناطق محروم واگذار شده

۹۹درصد آن همه از سوی مقام معظم رهبری بوده است. محمد سعیدی کیبا گفت: این نهاد در بخش‌های خدمات حمایتی، اجتماعی، فرهنگی، سلامت، توانمندسازی و اشتغال پایدار با تمام توان به کار خود ادامه خواهد داد. وی اظهار داشت: همه باید دست دست در دست هم تلاش کنیم تا این نهاد انقلابی به معنای واقعی کلمه بنیادی برای مستضعفان باشد به گفته وی و ۴۳درصد از سود شمرکت‌های تحت پوشش این نهاد در سال جاری صرف محرومیت زدایی می‌شود.

که از تحول ابزارهای ارتباطی و ظهور رسانه‌های نو و پیچیدگی شتابنده نظام‌های اجتماعی ناشی می‌شود. در این شرایط که هر من‌ای ناگهان با ابوهی از دیگری‌های ناشناخت‌هت و بست می‌شود، افول اعتماد و ضرورت جریان شدن‌اش با اعتبارهای نهاد‌ای امری طبیعی است. جامعه‌ما به دلیل آزر بوده کردن این نیاز در مانده است. یعنی از سویی توسعه فناوریهار ارتباطات را تجربه کرده‌مشما را با شبکه‌هایی بزرگ‌تر و بزرگ‌تر از دیگری‌ها پیوند زده است، و از سویی دیگر نهاد‌های معتبر و نیرومندی که بتوانند سود و ثروت موجود‌یا محتمل را رمزگذاری و تضمین کنند را پدید نیاورده است.

به عقیده و کیلی، افول اعتماد بنیادفردی که با نابخردیهای سیاست‌گذاران طی دهه گذشته تشدید شده و به فقر و شکننده شدن وضعیت اقتصادی خانوار‌ها انجامیده، در کنار این موضوع باعث شده نهاد‌های تضمین‌کننده –هم‌بانک‌ها و هم شرت‌های بیمه –با نوبی بحران مشروعیت و بربر شوند. بحرانی که با تخریب بالا به پایین اخلاق اجتماعی همراه بوده و در جریان آشفتهی و سردرگمی اعتماد اجتماعی تشدید شده است. یعنی در ایران امروز ما با واگرایی شدید اعتماد و اعتبار و بربرو روستیم، که در ضمن با فرسایش اعتماد (در اثر فساد دولتمدران و سیاست‌های ویرانگرشان) و ناکارایی اعتبار (به دلیل شکننده بودن نهاد‌ها و سازمان‌های ضامن اعتبار) همراه شده است.

همنچنین سرمایه اجتماعی به میزانی که مردم به دولت و بانکسن مطمئنان می‌کنند بازمی‌گردد. به صورت کلی هر چه قدر یک جامعه‌ای مشکلات اقتصادی و اجتماعی‌اش بیشتر داشته باشد، پایدنی‌اش به اصول و ارزش‌ها کمتر است و در نتیجه سرمایه اجتماعی‌اش به شدت کاهش می‌یابد.

■ سیاست‌گذاری دستوری

به گفته محمدقلی یوسفی، کارشناس اقتصادی، در شرایطی که در جامعه بیکاری، فقر و فساد وجود دارد، طبیعی است که سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد. در یک چنین شرایطی دروغ، نیرنگ و فریب‌نهادینه و جاگیرین اعتماد‌ا احترام‌متقابل می‌شود و این چنین اعتماد مردم به یکدیگر کم می‌شود و همه زیان می‌بینند.

یوسفی در گفت و گویا تجارت می‌گوید: «از طرفی سرمایه‌های اجتماعی بیشتر به گروه‌های اجتماعی همگن مرتبا می‌شوند. برای نمونه این مقوله در اعتماد سرمایه‌گذاران قابل تحلیل و ارزیابی است. سرمایه‌گذار در اینجا خود یک سرمایه اجتماعی است و در شرایطی که ببیند سرمایه‌اش در جاهای دیگر امنیت دارد تا تولید، بدون تردید سرمایه خود را به آن بخش منتقل می‌کند. اما در گمان تجعب مسائل فرهنگی شکل دولت ساخته شده زیان این چنین اعتماد مردم به یکدیگر کم می‌شود و در مسائل فرهنگ دیده نمی‌شود بلکه در اقتصاد هم همین رویه وجود دارد. دولت هیچگاه نمی‌تواند با گرفتن مالیات‌های سنگین آن یکدلی‌کنندگان سرمایه اجتماعی ایجاد کند.

از این رو دولت‌ها باید ایند ظرفیت را به وجود آورند که همه افراد به یکسان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مشارکت کنند تا این تصور به وجود نیاید که بدون کار و زحمت می‌توان ثروتمند شد. پس در اینجا منظور این است که هر فرد در جایگاه یک تولیدکننده حضور داشته باشد که البته این متضمن وجود یک نظام بیمه‌ای فراگیر است.»



■ تعدیل ارزش‌ها

ارض اقدس خاطر نشان کرد: «حمایت‌ا صادرات غیر نفتی مستلزم این است که نرخ ارز را همه ساله به اندازه تقاضل تورم داخلی از خارجی تعدیل کنیم. تعدیل به معنای اصلاح و افزایش نرخ ارز است که درآمد صادرکنندگان مان به اندازه فعلی باقی بماند. نرخ ارز خود یک نقش‌نلگری در اقتصاد دارد. صادرات و واردات را تحت تاثیر قرار می‌دهد»؛ وی افزود: «نرخ‌های فعلی اگر بخواهد تلاطم پیداکند، تنها یک نرخی کردن شرایط کافی نباشد. به همین ترتیب اصطلاح روزی یک تومان را استفاده کردم. در سال نرخ ارز از اول سال تا پایان سال ۳۶۰ تومان افزایش پیدا کرده است. در واقع روزی یک تومان افزایش قیمت داشته است، به همین ترتیب این راه کار کاملاً اجرایی است. فرض کنیم تورم در بدترین حالت به ۱۲ درصد برسد و تورم جهانی نزدیک به ۴ باشد، تقاضل تورم داخلی و خارجی رقمی نزدیک به ۸ درصد می‌شود. اگر این را به نرخ فعلی از ضرب کنیم باید حدود ۱۲۰ تا ۱۳۰ تومان به نرخ ارز اضافه کنیم. اما اگر این افزایش قیمت پایان سال ناگهان اضافه شود اثرات بدی دارد یا اگر به صورت نوسان‌های شدید ایجاد شود باز ضرر دارد. باید از یک دید تدریجی استفاده کنیم که از از سفته‌بازی خارج شود.»

۳

تجارت

چهارشنبه ۴ مرداد ۱۳۹۶ • شماره ۱۰۸۵

Wed • 26 July 2017

اقتصاد کلان

پیشخوان

کارت‌های کالای ۵ تا ۱۰ میلیون تومانی



وزیر تعاون با تاکید بر اینکه اجرای طرح کالا کارت می‌تواند موجبات تحریک تقاضا و رونق بازار را به همراه داشته باشد، گفت: بر اساس حقوق افراد میان‌امتسار این کارت رقمی بین ۵ تا ۱۰ میلیون تومان تعیین خواهد

شد. به گزارش ایسنا، علی ربیعی، در پاسخ به این سؤال که اختصاص یارانه خانوار برای پرداخت اقساط کارت خرید کالا را چگونه ارزیابی می‌کند، اظهار کرد این روش از پیشنهادت خود ما بود که کالا کارت را به نوعی تضمین حقوق در نظر بگیریم، بر این اساس اکنون کالا کارت تضمین حقوق است تا حقوق بگیران صندوق‌های بازتسهیلی بتوانند با دریافت این کارت بر اساس حداقل حقوقی که دارند رقمی بین ۵ تا ۱۰ میلیون ریال را کارت کالا دریافت کنند.وی ادامه داد: تضمین پرداخت این کارت‌ها نیز بر عهده ما خواهد بود و به طور مداوم خدماتی که با این کارت‌ها قابلیت ارائه می‌شوند افزوده خواهد شد. در سال ۱۳۹۵ نیز با اینکه تنها چندها از اجرای فاز اول این طرح گذشت، ما ۶۰ میلیارد تومان پرداخت داشتیم. وزیر تعاون، کار و اشتغال همنچنین عنوان کرد: اجرای این طرح از طریق یارانه‌ها برای افراد یارانه‌گیر قطعا می‌تواند جاری شود چرا که در این شرایط فرد به واسطه یارانه دریافتی تضمین پرداخت دارد اما متاسفانه هنوز فرهنگ اجرای این کار را در ایران نداریم. به عبارتی دیگر ما این کار را آغاز کرده‌ایم اما برای اجرای موفق آن لازم است ساختارهای مربوطه با یکدیگر هماهنگی لازم را پیدا کنند. ما در کالا کارت به طور موقتی عمل کرده‌ایم و در آینده ای نزدیک یک رنومانی هم برای این طرح خواهیم گذاشت و در قالب آن در خصوص میزان خرید مرکزی که امکان خرید وجود دارد و مسائلی از این دست توضیحات مربوطه را ارائه خواهیم کرد. ربیعی در توضیح بیشتر درباره خرید با کالا کارت در سال گذشته، عنوان کرد: اجرای این طرح در سال گذشته برای چند ماه ادامه داشت و حال بار دیگر بحث اجرای مجدد آن مطرح شده است اما باید دید که چگونه می‌توان این طرح را برای مردم کرد که هم به تحریک تقاضا منجر شود و هم کار را برای مردم تسهیل کند.وی ادامه داد: در حال حاضر یکی از مشکلات ما در این خصوص نرخ سود است که به طور دائم درباره این موضوع در حال مذاکره هستیم تا نرخ سود برای این طرح کم‌شده و مدت زمان بیشتری برای بازپرداخت اقساط در نظر گرفته شود. به هر صورت ما با تولیدکننده، توزیع‌کننده و بانک‌ها در تماس هستیم و با توجه به اینکه قرار است رسمی برای رونمایی از این طرح داشته باشیم در حال حاضر از ارائه توضیحات بیشتر در این‌باره خودداری می‌کنیم. وزیر تعاون، کار و اشتغال در ارتباط با اینکه آیا حذف تدریجی یارانه‌ها برای مردم دولت مشکلی در اجرای این طرح ایجاد نمی‌کند توضیح داد: ما قصد نداریم یارانه نیازمندان را حذف کنیم. افرادی هم که مشمول این طرح می‌شوند، در شرایطی قرار دارند که یارانه آنها قطع نخواهد شد. به هر حال در شرایط فعلی با توجه به حقوق افراد ارزیابی می‌رویم و تاکنون بازتسهیلی‌ها از اجرای چنین طرح‌هایی استقبال کرده‌اند البته در مراحل بعدی ما می‌توانیم این افراد را به بنگاه‌ها وصل کرده و با تضمینی که صاحبان کار می‌دهند، کار را دنبال کنیم.

سرمقاله

نقدنهادهای سیاسی پوپولیسم نیست

ادامه از صفحه اول

پوپولیستها ادعا می‌کنند که کلیه نهاد‌ها به تسخیر نخگان و اشراف جامعه درآمده است و دیگر منافع توده مردم را نمایندگی نمی‌کنند.

۳. پوپولیستها تعدما شکاف فقیر و غنی را برجسته کرده و تلاش می‌کنند برای بر و فاصله طبقاتی را به مساله اصلی سیاست تبدیل کنند. اگر در این کار موفق شوند مسئله باز توزیع اقتصادی به جای اقدامات محرک رشد، مهمترین وعده آنها می‌شود.

۴. پوپولیستها تنها وعده‌های جذاب ارائه می‌کنند اما در مورد نحوه تأمین مالی آن وعده‌ها، (۲. چگونگی تحقق آن وعده‌ها سخنی نمی‌گویند. پوپولیستها از ارائه برنامه مطرفه می‌روند و اگر برنامه ای نیز عرضه کنند آن برنامه بیشتر یک سری کلی گویی است و فاقد مشخصاتی چون باز زمانی تحقق، شیوه تأمین مالی، ساز و کار اجرایی و ... است.

۵. پوپولیستها بر ساده سازی مشکلات پیچیده تمرکز کرده و راه حل‌های ساده انگارانه از مسائلی عرضه می‌کنند. به عنوان مثال می‌گویند کار صنایع کشور نمی‌تواند کالای قابل رقابت با محصولات خارجی عرضه کند به این دلیل است که مستولان فاسد و با لایق بر وزارت صنعت حاکم هستند. گاه می‌گویند اگر کشور پیشرفت نمی‌کند این دلیل است که مستولان نمی‌خواهند کشور پیشرفت کنند چرا که صرفا دنبال منافع خود هستند ولی اگر آنها بر سر کار بیایند چون دنبال عرضه هستند تحولات شگرف و مثبتی قریب الوقوع خواهد بود. برخ پژوهشگران معتقدند که اگر این پنج ویژگی با هم حاضر باشند با تعداد زیادی از آنها رخ دهد آنگاه می‌توان تعبیر پوپولیسم را به کار برد اما اگر تنها یک یا دو مورد از این موارد وجود داشته باشد اطلاق این لفظ غیرحفظمانه خواهد بود. با این تفسیر می‌توان با صراحت مطرح کرد که چه چیز پوپولیسم نیست؟

ساده صحت‌کردن لزوما پوپولیسم نیست؛ اینکه یک سیاستمدار بتواند به زبان ساده با مردم صحبت کند نه تنها عیبی نیست بلکه یکی از امتیازات وی است زیرا به وی امکان برقراری ارتباط با جامعه می‌دهد. آنچه مذموم است ساده دینن مسائل و ساده اندیشی است و روشن است که میان این دو بسیار تفاوت وجود دارد. فطرناد فقرا و باز توزیع بودن لزوما پوپولیسم نیست بلکه یکی از وظایف سیاست‌گذار است که مانع شود نابرابری در جامعه تشدید شود. پوپولیسم وقتی ظاهر می‌شود که رشد اقتصادی به کلی فلتی باز توزیع شود. حتی اگر رشد اقتصادی در حد کمی به خاطر باز توزیع آسیب بیند نمی‌توان به آن لفظ پوپولیسم را اطلاق کرد اما اگر این آسیب و زیان رشد در اثر سیاست‌های باز توزعیی شدید باشد آن وقت سیاست‌ها پوپولیستی بوده است طرح داعیه مبارزه با فساد به معنی پوپولیست بودن نیست و اتفاقا سیاستمدار خوب کسی است که دغدغه مبارزه با فساد داشته باشد اما کسی که مسئله را دشته باشد یا فساد را تنها یا عمدت‌ترین مسئله کشور و مهمترین عامل عقب ماندگی قلمداد کند نباید به او مشکوک بود و ظن و اعتماد پوپولیستی را در مورد او دادند. نهاد‌های سیاسی موجود و نخگان موجود لزوما پوپولیسم نیست اما اگر طوری انجامد شود که گویی همه عالمان و نخگان مزدور اقلیت تورتمند شدند و همه نهاد‌های سیاسی موجود در بست تحت سيطرة آنهاست آنگاه ظن پوپولیسم تقویت می‌شود. ترندهای تبلیغاتی در عرصه سیاست مثل رقیب هراسی و اشناعه اینکه اگر رقیب حاکم شود جنگ داخلی یا خارجی در خواهد گرفت در بدترین حالت صدق عوام فریبی است و تنها با تعریف خیلی وسیع از پوپولیسم سازگار است ولی با تعریف محدود یا تعریف بنیانی سازگار نیست.

درصد در سال ۱۳۹۰ به ۶۴٫۳ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است، این افزایش شامل یک میلیون و ۹۶۶ هزار و ۱۶۸ نفر از زنان میباشد.

نسبت مردان دارای همسر نیز در فاصله این دو سرشماری افزایشی بوده و از ۶۰ درصد در سرشماری سال ۱۳۹۰ به ۶۳٫۲ درصد در این سرشماری رسیده است. این افزایش برای مردان ۲٫۳ درصد بوده و شامل ۲ میلیون و ۱۷۱ هزار و ۵۹۲ نفر میباشد.

نتایج این سرشماری نشان می‌دهد از جمعیت مردانی که بیشتر از ۱۰ سال سن دارند، ۶۵٫۵ درصد حداقل برای یک بار ازدواج کردهاند که از این میزان ۶۳٫۲ درصد دارای همسر، ۱٫۲ درصد بی همسر به دلیل طلاق و یک درصد بی همسر به

افراد دارای همسر در کشور ۳/۳ درصد افزایش یافته است

دلیل فوت همسر هستند.
زنان حداقل یک بار ازدواج کرده ۷۳٫۸ درصد است که از این میزان ۶۴٫۳ درصد دارای همسر، ۲٫۲ درصد بی همسر به دلیل طلاق و ۷٫۸ درصد بی همسر به دلیل فوت همسر هستند.

همنچنین تعداد زنان فاقد همسر (به دلیل طلاق و فوت همسر)، بیشتر از مردان است و یکی از دلیل اصلی این موضوع ازدواج مجدد مردان میباشد. درصد مردان و زنان هرگز ازدواج نکرده ۱۰ ساله و بیشتر، در این سرشماری نیست به سرشماری گذشته کاهش داشته است.

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ درصد افرادی که در سن ازدواج قرار دارند اما تا کنون ازدواج نکردهاند برای مردان از ۳۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۴۴٫۴ درصد در

^[1] در این سرشماری نیز در فاصله این دو سرشماری افزایشی بوده و از ۶۰ درصد در سرشماری سال ۱۳۹۰ به ۶۳٫۲ درصد در این سرشماری رسیده است

^[2] در این سرشماری نیز در فاصله این دو سرشماری افزایشی بوده و از ۶۰ درصد در سرشماری سال ۱۳۹۰ به ۶۳٫۲ درصد در این سرشماری رسیده است